

## طراحی نظام مالی براساس آموزه‌های اسلام

### با نگرش به نظام مالی ایران

معصومی نیا<sup>۱</sup>

#### جایگاه بازار مالی در اقتصاد

هر نظام اقتصادی در سطح کلان از دو بخش تشکیل می‌شود. بخش حقیقی و واقعی<sup>۲</sup> و بخش مالی<sup>۳</sup>. بخش حقیقی شامل مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، صادرات، واردات و... می‌شود و در بخش مالی پول و اوراق بهادار مبادله می‌شود. بخش حقیقی خود شامل بازار کالا و بازار عوامل تولید (کار و سرمایه غیرنقدی می‌شود) و بازار پول و بازار سرمایه زیر مجموعه‌های بخش مالی هستند. البته برخی بازارها را به گونه‌ای دیگر تقسیم کرده‌اند. بازار محصولات شامل کالاهای ساخته شده و خدمات و بازار عوامل تولید شامل نیروی کار و سرمایه که بازار عوامل نامیده می‌شود. در این تقسیم بندی بازار دارائی های مالی یا ساده‌تر بازار مالی زیر مجموعه بازار عوامل شمرده شده است.<sup>۴</sup> اما بنظر می‌رسد که تقسیم بندی اول مناسب تر است زیرا عرضه و تقاضای نیروی کار و سرمایه غیر نقدی جنبه واقعی دارد اما مبادلاتی که در بازار مالی صورت می‌گیرد چنین نیستند بلکه پول و اوراق هستند که مورد معامله قرار می‌گیرند.

---

۱ - عضو هیئت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲ - Real section

۳ - Financial section

۴ - فرانک فیوزی، فرانکومودیلیانی، مبانی بازارها و نهادهای مالی، ترجمه دکتر حسین عبده تبریزی، ص ۱۷

### اهمیت نظام مالی

هدف اصلی در اقتصاد رشد و پویایی بخش واقعی است و بخش مالی جنبه تبعی و فرعی دارد اما رشد مطلوب بخش واقعی بدون وجود یک نظام مالی کارآ دست یافتنی نیست. یکی از مشکلات اصلی بخش واقعی عدم تکافوی سرمایه‌های پراکنده کوچک در دست مردم است برای سرمایه‌گذاری های لازم و یک سیستم مالی مناسب می‌تواند با طراحی ابزارهای مناسب به تجمیع و تجهیز منابع کوچک بپردازد. نتایج مطالعات اخیر نیز نظری و تجربی انجام شده به طور همگرا تقویت کننده نقش مثبت توسعه مالی بر رشد اقتصادی می‌باشد<sup>۱</sup>. یکی از عمده‌ترین عوامل توسعه نیافتگی کشورهای در حال توسعه سطح پائین سرمایه گذاری در این کشورهاست. از آن جا که کمک گرفتن از سرمایه‌های خارجی دارای پیامدهای زیانباری برای کشورهای مزبور می‌باشد توسعه بازارهای مالی می‌تواند موجب هدایت سرمایه‌های کوچک موجود به سمت فعالیت های اقتصادی لازم شود.

### کارکرد نظام مالی

برای نظام مالی نقش ها و وظایف متعددی شمرده می‌شود که خلاصه مهمترین آن ها ذکر می‌شود.

- ۱- تجهیز پس اندازها: یکی از مهمترین وظایف نظام مالی انتقال وجوه از بخش های دارای مازاد به بخش های دارای کسری برای سرمایه گذاری های لازم در اقتصاد می‌باشد.
- ۲- تسهیل مبادلات کالاها و خدمات که توسط بانک ها و واسطه‌های مالی انجام می‌شود.

---

۱ نقش نهادهای مالی در توسعه اقتصادی، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۲، ص ۷۳ و ۹۸ و ۱۱۵

۳- توزیع خطر ملازم با جریان نقدی حاصل از دارائی های مشهود بین متقاضیان وجوه و دارندگان وجوه<sup>۱</sup>.

۴- متنوع کردن ریسک و تجمیع ریسک: افراد دارای روحیات کاملاً گوناگونی هستند، یک نظام مالی باید ابزارهای متنوعی را که درجه ریسک پذیری مختلف دارند ابداع و ارائه نماید تا همه ی افراد به مشارکت در فعالیت ها ترغیب شوند.

۵- کاهش هزینه معاملات: در یک نظام مالی سازمان یافته و کارآ هزینه های جستجوی دارائی مورد نظر و هزینه های اطلاعات مربوط به خصوصیات بازده یک دارایی مالی کاهش می یابد چه این که در چنین بازار مالی قیمت ها نمایان گر تمامی اطلاعات لازم است.

۶- تامین نقدینگی: سرمایه گذاران می توانند با فروش دارای های مالی در بازارهای مالی وجوه نقد مورد نیاز خود را تامین نمایند.

#### واسطه های مالی

غیر از استفاده کنندگان نهایی<sup>۲</sup> و کارگزاران و دلالان یک نهاد مالی دیگری نیز در بازارهای مالی وجود دارد و آن واسطه های مالی هستند. واسطه های مالی مؤسساتی هستند که بین قرض دهندگان یا پس انداز کنندگان و قرض گیرندگان وجوه مالی رابطه پولی ایجاد می کنند. این واسطه ها از طرق مختلف به جمع آوری وجوه می پردازند. این واسطه ها دو قسم اند:

---

۱- فیوزی، مودیلیاتی، مبانی بازارها و نهادهای مالی، ج اول، ص ۲۲

الف: واسطه‌هایی که وجوه خود را از طریق سپرده‌ها بدست می‌آورند مانند بانک های تجاری، موسسات وام و پس‌انداز، بانک های پس‌انداز و موسسات اعتباری. این واسطه‌ها وجوه جمع آوری شده را به دو طریق به کار می‌گیرند: قسمتی را وام می‌دهند و قسمت دیگر را صرف خرید اوراق بهادار می‌کنند.

ب: واسطه های مالی غیر سپرده پذیر که شامل این موارد می‌شوند:

- ۱: شرکت های بیمه: این شرکت ها در مقام پذیرندگان خطر عمل می‌کنند.
- ۲: شرکت های سرمایه گذاری: این شرکت ها به مردم سهام می‌فروشند و وجوه بدست آمده را صرف خرید اوراق بهادار متنوع می‌کنند. مزیت این شرکت ها کاهش ریسک سرمایه‌گذاری بدلیل تنوع اوراق تهیه شده و بهره‌مند بودن از مدیریت تخصصی سهام و اوراق قرضه می‌باشد. البته این شرکت ها انواع بسیار زیادی دارند که در کتب مربوطه آمده است.

۳: صندوق های بازنشستگی

۴: کارگزاران بورس اوراق بهادار

۵: بانک های سرمایه گذاری، دلالت و واسطه‌های اوراق بهادار

### نقش واسطه‌های مالی

برای واسطه‌های مالی چهار کار عمدۀ ذکر کرده‌اند:

- ۱: وساطت در انطباق سررسیدها: در بسیاری موارد دارندگان وجوه به وام بلند مدت نیازمندند. واسطه‌های مالی با اخذ سپرده‌ها یا طرق دیگر و پرداخت آن به متقاضیان وام بلند مدت دارائی های کوتاه مدت را به دارائی های بلند مدت تبدیل می‌کنند.

کاهش ریسک با ایجاد تنوع: برای کاهش ریسک باید مجموعه‌ای از اوراق مختلف خریداری شود تا در صورت افت قیمت برخی از اوراق افزایش قیمت اوراق دیگر آن را جبران نماید. و روشن است که صاحبان پس‌اندازهای کوچک معمولاً توان چنین کاری را ندارند. واسطه‌های مالی با تجمع سرمایه‌های پراکنده چنین کاری را انجام می‌دهند.

کاهش هزینه‌ها: واسطه‌های مالی با در اختیار داشتن افرادی که در امر سرمایه گذاری تخصص دارند هزینه سرمایه گذاری را کاهش می‌دهند اما هزینه‌های جستجو و هزینه‌های مربوط به خود قرارداد برای خود صاحبان وجوه بیشتر است.<sup>۱</sup>

تنوع ابزارهای مالی: امروزه در بازارهای مالی پیشرفته موسسات مالی تنوع زیادی پیدا کرده‌اند که یکی از پیامدهای طبیعی آن تنوع بسیار زیاد ابزارهای مالی است. نتیجه چنین امری این است که این موسسات می‌توانند به تمامی سلیق و انگیزه‌ها پاسخ دهند.

### بازار پول و بازار سرمایه

یکی از طبقه بندی هایی که در بازارهای مالی صورت می‌گیرد تقسیم بندی بر اساس سررسید حق مالی است. بر این اساس بازارهای مالی به دو دسته تقسیم می‌شوند بازار پول و بازار سرمایه. در اصطلاح بازار پول بازاری است که در آن وجوه کوتاه مدت (با سررسید کمتر از یکسال) مبادله می‌شود و بازار سرمایه به بازاری گفته می‌شود که در آن وجوه با سررسید بیشتر از یکسال مورد مبادله قرار می‌گیرند. بازار پول نیازهای مالی کوتاه مدت را تامین می‌کند و بازار سرمایه نیازهای

۱- فراتک فیوزی: فراتکو مودیلیانی و مایکل فری، مبانی بازارها و نهادهای مالی، ترجمه ی حسین عبده تبریزی (چاپ اول: نشر آگه، ۱۳۷۶) ج ۱، ص ۵۰-۴۵

مالی میان مدت و بلند مدت را برآورده می‌سازد. دو بازار یاد شده مکمل یکدیگرند. بازار پول دارای ویژگی‌های متمایزی نسبت به بازار سرمایه است که مهمترین آن‌ها عبارت است از: درجه ی اطمینان در باز پرداخت اصل و بهره بسیار زیاد است و به عبارت دیگر درجه ریسک در این بازار پائین است و به همین خاطر بازده سالانه ی اوراق بهادار در این بازار پائین تر است و سرعت مبادلات در این بازار بالاست.

نکته ی مهم این است که در کشورهای توسعه یافته ارزش ابزارهای بازار پول نسبت به ابزارهای بازار سرمایه اهمیت کمتری دارد. مثلا در سال ۱۹۹۰ ارزش ابزارهای بازار پول در آمریکا ۱۵۸۰ میلیارد دلار بود، در حالی که ارزش ابزارهای بازار سرمایه در همین سال برابر ۱۴/۴۰۰ میلیارد دلار بوده است.<sup>۱</sup>

### ابزارهای بازار پول و بازار سرمایه

در این جا مهمترین این ابزارها به اشاره ذکر می‌شود.

الف: ابزارهای بازار پول عبارتند از:

اوراق خزانه: خزانه داری کشورها اوراق بهادار خزانه و اوراق قرضه خزانه‌داری را با سررسیدهای سه ماهه، شش ماهه و یکساله برای تامین مالی نیازهای جاری دولت منتشر کرده و به فروش می‌رسانند. این اوراق فاقد بهره هستند اما با تنزیل قیمت اسمی بفروش می‌رسند.

---

۱- بررسی عملکرد اقتصادی انتشار اوراق مشارکت در ایران، ص ۲۵

اوراق تجاری<sup>۱</sup>: این اوراق توسط شرکت های صنعتی و شرکت های مالی منتشر می شود و سررسید آن ها کمتر از ۹ ماه است. قسمتی از اوراق مزبور مانند اوراق خزانه بدون بهره و با تنزیل بفروش می رسد.

گواهی سپرده قابل معامله<sup>۲</sup>: به وسیله بانک ها منتشر می شود و رسیدی از بانک است مبنی بر این که وجوه در بانک برای یک دوره ی مشخص و با نرخ بهره ی معین سپرده گذاری شده است. دارنده این اوراق می تواند پیش از سررسید این اوراق را در بازار ثانویه بفروشد. اوراق پذیرش بانکی: پذیرش های بانکی اوراقی هستند مدت دار مانند سفته که مثلا خریدار یک کالا به فروشنده می دهد و بانک پرداخت آن ها را تضمین می نماید. این اوراق بصورت تنزیل قابل فروش هستند.

ب: ابزارهای بازار سرمایه<sup>۳</sup>

مهمترین این ابزارها عبارتند از:

۱- اوراق قرضه که خود اقسام زیادی دارد مانند اوراق قرضه دولتی، اوراق قرضه شرکت ها، اوراق قرضه رهنی، اوراق قرضه شهرداری ها و دیگر سازمان های دولتی و... ماهیت تمامی اقسام اوراق قرضه استقراض پول است. صادر کننده این اوراق متعهد می شود که اصل مبلغ آن را در تاریخ معینی بهم راه بهره ی مشخص باز پرداخت نماید. بنابر این اوراق قرضه از قبیل اوراق بهادار با درآمد ثابت است.

---

۱ - Commercial papers

۲ - Negotiable Certificate of Deposit

۳ - Capital Market Instruments

۲- اوراق سهام<sup>۱</sup>: توسط موسسات اقتصادی صادر و فروخته می‌شوند و نمایان گر مالکیت مشاع خریدار یا خریداران نسبت به موسسه صادر کننده است. اوراق سهام اقسام زیادی دارند از قبیل: اوراق سهام عادی، اوراق سهام ممتاز

۳- ابزارهای مشتقه<sup>۲</sup>: ارزش این ابزارها از ارزش دارائی های واقعی مشتق شده است. ابزارهای مشتقه اقسام گوناگونی دارد مانند: قراردادهای سلف، قراردادهای آتی، قراردادهای اختیار معامله

### نقش بهره در نظام های مالی

با مروری بر ابزارهای بازار پول و بازار سرمایه رایج در دنیا در می‌یابیم که بسیاری از آن ها مبتنی بر نرخ بهره هستند. بانک ها سود تسهیلات پرداختی خود را بر اساس نرخ بهره دریافت می‌کنند و با تعهد پرداخت نرخ بهره به سپرده گذاران انگیزه لازم را برای آنان فراهم می‌کنند. بانک ها علاوه بر دادن وام قسمتی از وجوه خود را صرف خرید اوراق قرضه می‌نمایند و سود بسیاری از اقسام اوراق قرضه بعنوان درصد معینی نرخ بهره پرداخت می‌شود. نرخ بهره هم از برآیند عرضه و تقاضای وجوه بدست می‌آید. نتیجه این که اگر نرخ بهره از نظام سرمایه داری حذف شود عملکرد نظام مالی سرمایه داری دچار اختلال جدی می‌شود. البته بانک ها در نظام سرمایه داری علاوه بر اعطای وام های ربوی کارکردهای دیگری نیز دارند که عبارتند از: مبادلات ارزی: بانک ها در بازار مالی به مبادله پول داخلی با پول های خارجی اقدام می‌کنند.

---

۱- Stocks

۲- Derivative securities



عملیات سرمایه گذاری: برخی بانک ها از محل سرمایه و سپرده های ثابت و بلند مدت به سرمایه گذاری در بخش واقعی اقتصاد می پردازند که به دو صورت انجام می شود:

الف: تاسیس بنگاه های اقتصادی: در صورتی که بانک ها تاسیس موسسه ای را با سود مثبت ارزیابی کنند آن را بصورت شرکت سهامی تاسیس می کنند.

ب: خرید سهام: در این حالت بانک مبتکر تاسیس بنگاه نیست، بلکه با بنگاه های اقتصادی موجود از طریق خرید سهام آن ها در بورس یا افزایش سرمایه ی آن ها و تخصیص سهامی به بانک که در نتیجه ی افزایش سرمایه ایجاد شده است مشارکت می کند.<sup>۱</sup>

فعالیت های اخیر بانک ها به همراه پیشرفتهای فناوری مالی صورت گرفته است و روز بروز در حال گسترش است. این امر مسئولان مالی و اقتصادی کشورهایی نظیر ژاپن، سوئیس و سنگاپور را بر آن داشته است که دیدگاه سنتی دوگانگی بازارهای پول و سرمایه را کنار گذاشته، به منظور ایجاد انسجام و هماهنگی بیشتر، وظیفه نظارت و تنظیم بازارهای پول و سرمایه را تنها به عهده یک مقام ناظر که همان مقام تنظیمی و نظارتی بازار مالی این کشورهاست واگذار کنند.<sup>۲</sup> علت دیگر فعالیت های بانک ها در زمینه های سرمایه گذاری این بود که آن ها با روش واسطه گری وجوه نمی توانستند به تقاضای کسانی که دارای روحیه ریسک پذیری هستند و حاضرند برای نرخ های بالاتر سود ریسک بالاتری را بپذیرند پاسخ دهند. نتیجه ی قهری ادامه سیستم قبلی جداسدن گروه یاد شده از سیستم بانکی و روی آوردن به بازار سرمایه بود. بانک ها با ورود به صحنه واقعی اقتصاد توانستند تا حدی این نقیصه را جبران کنند.

۱- میرمعزی، سید حسین، جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام، مجله اقتصاد اسلامی، شماره دوم، ص ۶۰  
۲- اصلاح ساختار نظام بانکی در راستای ساماندهی بازارهای مالی رسمی در جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۳۳

## ویژگی های نظام مالی ایران

مهمترین ویژگی های نظام مالی ایران عبارتند از:

۱- بانک محور بودن

در حال حاضر چند نوع نهاد مالی در ایران وجود دارد

### بانک ها

مؤسسات غیربانکی مانند صندوق های قرض الحسنه، موسسه اعتباری بنیاد جانبازان، موسسه اعتباری سپاه، شرکت ها و مؤسسات مالی تامین اجتماعی شامل: شرکت های بیمه، صندوق های بازنشستگی، سازمان تامین اجتماعی و برخی بنیادها و مؤسسات عمومی، بازار بورس اوراق بهادار شامل بورس (تهران و شهرستان ها)، شرکت های سرمایه گذاری، شرکت های پذیرفته شده در بورس و شرکت های خارج از بورس (مسکن، تامین اجتماعی، صنایع پتروشیمی، شاهد، سازمان صنایع ملی، بیمه ایران، فرهنگیان) در کشور وجود دارند. اما علی رغم وجود نهادهای متعدد مالی بانک ها نقش عمده ای در کشور دارند به گونه ای که می توان گفت نظام مالی ایران بانک محور است.

به این گونه نظام ها نظام مالی پایه بانک<sup>۱</sup> گفته می شود در مقابل نظام مالی پایه اوراق بهادار که بدلیل ابداعات بسیار زیاد در زمینه ی ابزارها و نهادهای مالی از حدود نیم قرن قبل به این طرف گسترش زیادی پیدا کرده است. در نظام های مالی توسعه یافته بازار اوراق بهادار قسمت

---

۱ - Bank-Based Financial system

عمده ی بازار مالی را در اختیار دارد و روز بروز هم این نسبت زیادتیر می شود اما تسلط نظام بانکی بر بازار مالی یکی از ویژگی های عمومی نظام های مالی توسعه نیافته است.

گر چه در سال های اخیر تلاش های زیادی برای رونق دادن به بورس صورت گرفته و می گیرد و نسبت تامین مالی نسبت به گذشته افزایش یافته است اما حجم معاملات بازار بورس نسبت به اندازه ی نظام مالی هم چنان بسیار اندک است. طی سال های (۸۰-۱۳۷۱) متوسط نسبت تامین مالی از طریق بازار سهام به GDP کمتر از یک درصد (در حدود ۰/۹ درصد) بوده است. در حالی که نسبت دارائی های بانک های تجاری به اندازه ی نظام مالی طی سال های مزبور بطور متوسط ۹۷/۴ درصد بوده است.<sup>۱</sup>

به صورت خلاصه ویژگی یاد شده یعنی بانک محوری مهمترین ویژگی نظام مالی ایران است.

۲- عدم وجود قوانین مشخص برای بازار اوراق بهادار: می دانیم در این زمینه قانونی اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و شورای نگهبان هم آن را تایید نموده است.

۳- عدم شناخت مردم نسبت به ابزارهای بازار بورس خصوصیت دیگر بازار مالی کشور است که اخیراً با تاسیس شعب بورس در شهرستان های مختلف قدم هایی در این زمینه برداشته شده است.

### وضعیت بانکداری در ایران

با گذر از این که در مجموعه نظام مالی ایران بخش بانکی نقش مسلط دارد. مطلب مهم این است که ببینیم کارکرد بخش بانکی چگونه است؟ پیش از پیروزی انقلاب عظیم اسلامی ایران

---

۲- اصلاح ساختار نظام بانکی در راستای ساماندهی بازارهای مالی رسمی در جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۳۲

نظام بانکی ایران همانند بیشتر کشورهای جهان ربوی بود و بر اساس قانون پولی و بانکی ایران مصوب ۱۸ تیر ۱۳۵۱ بانک های تجاری از سرمایه گذاری، خرید و فروش کالا و خرید اموال غیرمنقول منع شده بودند و به واسطه گری وجوه بر اساس بهره می پرداختند. اما می دانیم که مهمترین ضابطه در بازار مالی اسلامی تحریم رباست و تحریم ربا جزء بدیهی ترین احکام اسلام است بگونه ای که در قرآن کریم ربا خواری بمنزله ی اعلام جنگ خدا و رسول الله صلوات الله علیه با ربا خوار شمرده شده است.<sup>۱</sup> به همین دلیل بعد از پیروزی انقلاب مسئولین درصدد تغییر نظام بانکی و انطباق آن با قوانین اسلام برآمدند و قانون عملیات بانکی بدون ربا را در شهریور ۱۳۶۲ تصویب نمودند. با تصویب و اجرای این قانون ماهیت عملیات بانکی دچار دگرگونی شد. بر اساس قانون مزبور بانک از واسطه ی صرف بین پس انداز کنندگان و درخواست کنندگان وجوه به مشارکت کننده در فعالیت های بخش واقعی اقتصاد تغییر نقش می دهد. از همین روست که نظام بانکی کشور پس از اجرای قانون بانکداری بدون ربا بیشتر از آن که به بانک مصطلح شباهت داشته باشد به یک نهاد مالی شبیه است.

بر اساس قانون بانکداری بدون ربا بانک ها باید منابع خود را از راه دوازده عقد به فعالیت های مورد نظر خود اختصاص دهند: قرض الحسنه، مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه گذاری مستقیم، مزارعه، مساقات، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین و جعاله. چون بانک ها زمین و باغ در اختیار نداشتند دو عقد مزارعه و مساقات کنار گذاشته شدند و بدلیل مشکلات فقهی به خرید دین نیز از سال ۱۳۶۷ عمل نشد. نتیجه این شد که بانک ها علاوه بر سرمایه گذاری مستقیم تسهیلات خود را از طریق هشت عقد اعطا کردند.

۱- قرآن کریم، بقره، آیه ۲۷۹

اما بعد از بیش از بیست سال که از اجرای قانون مزبور می‌گذرد متأسفانه تلقی عموم این است که نظام بانکی براساس نرخ بهره عمل می‌کند و فقط نام آن تغییر کرده است.

توضیح این که قراردادهای مزبور را می‌توان به ۵ گروه تقسیم کرد:

- عقود مشارکتی شامل: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی و مضاربه که در قرارداد نسبت تقسیم سود تعیین و نرخ قطعی سود پس از انجام فعالیت اقتصادی مشخص می‌شود.

- عقود با بازده ثابت: سود فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک در هنگام معامله بصورت قطعی معین می‌شود.

- عقود با بازده متغیر شامل دو قرارداد سلف و جعاله است که سود قطعی بانک پس از پایان دوره مالی و بر اساس قیمت های پایان دوره و هزینه های تمام شده تعیین می‌شود.

- قرض الحسنه

- سرمایه گذاری مستقیم که خود بانک اقدام به فعالیت اقتصادی می‌کند.

تسهیلات اعطایی به روش عقود مشارکتی در سال ۱۳۶۳ نسبت به کل تسهیلات ۳۷/۱ درصد بوده اما به طور مرتب کاهش یافته و در سال ۱۳۷۸ به ۱۹/۳ درصد رسیده است، در حالی که فروش اقساطی از سال ۷۶ به بعد به تنهایی بیش از نصف مانده تسهیلات اعطایی را شامل می‌شود.<sup>۱</sup> علت این امر مشخص بودن نرخ سود از قبل است در حالی که در عقود مشارکتی سرمایه گذاری مستقیم که با اهداف اقتصاد اسلامی سزگاری دارند و باعث دوری سیستم از ربا می‌شوند، نرخ سود از قبل معین نیست.

---

۱- موسویان، سید عباس، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ششم، ص ۷۰ در این مقاله مطلب مزبور بصورت مستند بررسی شده است.

نتیجه این که مجریان در طول این مدت بدنبال استفاده از قراردادهایی حرکت کرده‌اند که سود ثابت دارد و این شباهت زیادی به عملیات بانک های ربوی دارد. برای بسیاری از تسهیلاتی که داده می‌شود قراردادهای مزبور را به شکل صوری منعقد می‌کنند و بدلیل عدم نظارت دقیق بانک ها گیرندگان وجوه دریافتی را صرف اموری غیر از آن چه در قراردادها قید شده است می‌نمایند.

### علل گرایش بانک ها به نرخ سود ثابت

علل گرایش بانک ها به نرخ ثابت زیاد است، از مهمترین آن ها می‌توان این عوامل را برشمرد:  
- عدم اعتقاد به بانکداری بدون ربا در بدنه مدیران و سیاستگذاران نظام بانکی علت مهم این امر اعتقاد به این است که نظام سرمایه‌داری و اقتصاد بازار بهترین راه برای شکوفائی فعالیت های اقتصادی می باشد.<sup>۱</sup>

- به اعتقاد نگارنده مهمترین عامل این است که سیستم بانک و بانکداری در ایران بعنوان یک نهاد متناسب با اقتصاد سرمایه داری عمدتاً نقش واسطه و جوه را ایفا می‌نماید و خودش وارد صحنه ی واقعی اقتصاد نمی‌شود و در این زمینه فعالیت نمی‌نماید. از همین رو بسیاری از نیروهایی که در سیستم بانکی کشور فعالیت می‌کنند از ماهیت عملیاتی که در قانون بانکداری

۱- توتونچیان از صاحب نظران بانکداری اسلامی بزرگترین مانع اسلامی شدن نظام بانکی را مسئولان رده بالای نظام بانکی می‌داند. هدایتی نیز باور مسئولان و توده مردم را مهمترین راه‌کار اسلامی شدن بانک ها معرفی می‌کند. سید عباس موسویان می‌گوید: بسیاری از مسئولان گمان می‌کنند که با اجرای درست بانکداری بدون ربا سود بانک ها کاهش خواهد یافت و بانک ها توان پاسخ گویی به سپرده گذاران را نخواهند داشت، بنابراین بسیاری از مدیران با پذیرش صوری قانون در قالب، آن نظامی را که باور داشتند و سال های سال بآن عمل کرده بودند به اجرا گذاشتند. مجله اقتصاد اسلامی، شماره ششم ص ۲۲ و ص ۷۹

بدون ربا آمده است و بر اساس آن از گیرندگان تسهیلات امضا می‌گیرند آگاهی درستی ندارند و همواره از واژه ی «وام» استفاده می‌کنند. از این روست که با حفظ ساختار فعلی بانک ها نمی‌توان به حذف کامل ربا از سیستم بانکی امیدوار بود.

- عامل مهم دیگر سهولت کار بانک ها ربوی است. در بانکداری ربوی بانک ها از طرفی سپرده‌های مردم را دریافت می‌کنند و از سوی دیگر آن ها را به متقاضیان بصورت وام با بهره واگذار می‌کنند اما در بانکداری بدون ربا بانک ها باید هنگام اعطای تسهیلات در مورد هر یک از قراردادهای ضوابط مربوط به آن را دقیقاً رعایت نمایند که این امر پیچیدگی های مربوط به خود را دارا می‌باشد.

- نبودن یک نهادی که میزان انطباق عملکرد بانک ها با قانون بانکداری و شرع را رصد نموده و در صورت تخلف خاطیان را مجازات نماید.

### نظام مالی بر اساس آموزه های اسلام

مشاهده کردیم که در نظام مالی ایران تا حد زیادی بر اساس آموزه‌های اسلام عمل نمی‌شود و آسیب هایی که تاکنون متوجه اقتصاد کشور شده است از همین ناحیه است. برای علاج این وضعیت باید در ابتدا نظام مالی منبعث از احکام الهی اسلام را بدرستی بشناسیم و سپس تشکیلات متناسب با آن را طراحی نمائیم و در مرحله بعد به اجرای آن مبادرت نمائیم.

### ضوابط بازارهای مالی در اسلام

مهمترین ضوابط یاد شده عبارتند از:

اصل حرمت ربا یا نرخ بهره: گذشت که تحریم ربا جزء مسلمات اسلام است. این مطلب هم در آیات قرآن کریم<sup>۱</sup> به صراحت آمده است و هم در روایات<sup>۲</sup>. بین فقهای اسلام نیز مطلب اجماعی است. مطلب از این هم بالاتر است: حرمت ربا در دین یهود<sup>۳</sup> و مسیحیت<sup>۴</sup> نیز امری مسلم بوده است و متأسفانه در جوامع مسیحی و یهودی این امر فراموش شده است همان گونه که جوامع اسلامی هم آلوده به ربا هستند.

تذکر چند نکته لازم است:

الف: برخی از روشنفکران و عالمان دینی که متأسفانه مرعوب پیشرفت های اقتصادی غرب شده اند در صدد ترویج نظام اقتصادی غرب با تمامی آموزه های آن در کشورهای اسلامی برآمدند یکی از مهمترین اجزاء نظام مزبور نظام مالی است که دیدیم نرخ بهره در آن نقش اساسی و محوری دارد. اما چون حرمت ربا امری مسلم است در صدد توجیه برآمده و ربای محرم را به ربای مصرفی محدود کردند و بهره در امور تولیدی را تخصصاً از تحت ادله حرمت ربا خارج دانستند. اما حق این است که ادله حرمت ربا مخصوصاً آیات قرآنی اطلاق دارند و شامل همه مواردی که عرف ربا بدانند می شوند و دلیلی برتقیید اقامه نشده است.<sup>۵</sup> نتیجه این امر این است که تمامی ابزارهایی که در بازارهای مالی اعم از سیستم بانکی و غیر آن مورد استفاده قرار می گیرد و مبتنی

۱- قرآن کریم، بقره، آیه های ۲۷۸-۲۷۹

۲- الشیخ حرالعالمی، وسائل الشیفة، ج ۱۸، ص ۱۶۰، ۱۳۷ و ص ۳۵۴ و...

۳- عهد قدیم، سفر تثئیه باب ۲۴

۴- انجیل متی فصل ۱۵ آیه ۱۹-۱۷

۵- دلائل این گروه و جواب های آنها توسط محقق منقّق جناب آقای سید عباس موسویان در مجله اقتصاد اسلامی شماره ۱۸ ص ۳۵ به بعد آمده است.

در این زمینه همچنین رجوع شود به مجله اقتصاد اسلامی شماره ششم ص ۱۲۳ که محمد نجات الله صدیقی ربا در امور تولیدی را نیز موجب بی عدالتی وعدم کارآمدی دانسته است.



بر نرخ بهره است از نظر اسلام ممنوع می‌باشد. وام دای بانکی و اکثریت قریب به اتفاق اوراق قرضه چنینند.

ب: مطلب دیگری که این گونه افراد مطرح کرده‌اند این است که نرخ بهره‌ای که در بانک‌ها رایج است از مصادیق ربا نیست. آن‌ها می‌گویند ربایی که در کتاب و سنت تحریم گردیده منحصر است به آن چه تحت این عنوان در زمان جاهلیت مرسوم بوده است. در آن زمان طلبکار در موقع سررسید می‌گفت «یا بدهی خود را بپرداز و یا آن را افزایش بده» اما، در این که این مورد از مصادیق رباست بحثی نیست ولی در همان زمان هم در موارد زیادی ربا از همان ابتدا شرط می‌شد. بعلاوه، لازمه پذیرش سخن این گروه این است که بگوئیم در دنیای امروز مصادیقی برای ربا وجود ندارد. بعلاوه اطلاق ادله حرمت ربا بهره بانکی را هم شامل می‌شود و دلیلی بر تقیید نداریم.<sup>۱</sup>

### آثار حذف ربا بر نظام مالی

مهمترین آثار عبارتند از:

در نظام ربوی سود به «پول» تعلق می‌گیرد شخص حقیقی یا حقوقی به صرف در اختیار داشتن پول از سود بهره مند می‌شود اما در نظام غیر ربوی پول درآمدزا نیست بلکه فعالیت‌های واقعی در عرصه اقتصاد منشأ سود خواهد بود. صاحب سرمایه نقدی یا باید خودش فعالیت اقتصادی انجام دهد یا با مشارکت با صاحبان نیروی کار در قالب عقود مختلف به فعالیت بپردازد که در این صورت می‌تواند از سود بدست آمده بهره‌مند شود. نتیجه این که اسلام خواسته است

۱- رجوع شود به: قرضاوی، یوسف، بهره‌ی بانکی همان رباست، مجله‌ی اقتصاد اسلامی، شماره سوم، ص ۱۰۹

سرمایه‌های نقدی را به سمت فعالیت های واقعی اقتصادی سوق دهد. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند ربا را حرام کرده تا مردم از حرام خواری به سمت تجارت و خرید و فروش فرارکنند.<sup>۱</sup>

در نظام ربوی واسطه‌های مالی در امور اقتصادی تخصص پیدا نمی‌کنند اما در نظام غیرربوی که بر اساس مشارکت و امثال آن فعالیت‌ها صورت می‌گیرد واسطه‌های مالی بدلیل مشارکت در سود و زیان فعالیت های اقتصادی واقعی به ناچار هم در ارزیابی طرح ها و پروژه‌های اقتصادی تخصص پیدا می‌کنند و هم بدرستی بر حسن اجرای آن ها نظارت می‌نمایند. و چون واسطه‌های مالی از امکانات بالایی برخوردارند حاصل امور مزبور شکوفایی و رشد بیشتر در بخش واقعی اقتصاد خواهد بود.

ممنوعیت ربا موجب تنوع هرچه بیشتر فعالیت های اقتصادی می‌شود، چه این که واسطه‌های مالی و صاحبان وجوه که می‌خواهند سرمایه نقدی خود را مستقیماً به کارگیرند دائماً بدنبال کشف راه های جدید فعالیت اقتصادی هستند برخلاف نظام ربوی که فقط یک چیز برای وام دهندگان مهم است و آن قدرت بازپرداخت اصل و فرع وام توسط وام گیرنده است. همزمان با تنوع فعالیت ها در بخش واقعی اقتصاد ابزارهای مالی متناسب با آن ها در بازار مالی ابداع خواهد شد. پیامدهای یاد شده یکی از مهمترین علل ابداع شیوه بانکداری جامع در کشورهای مختلف مانند آلمان و ژاپن شده است که علاوه بر عملیات بانک های سنتی اقدامات بسیار دیگری در زمینه هدایت جریان مستمر و کم هزینه منابع مالی از پس‌انداز کنندگان به طرف مصرف

---

۲- فحرم الله الربا لتفر الناس عن الحرام الى التجارات والى البيع والشراء، وسائل الشیعه

کنندگان نهایی یا سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند و موفقیت های زیادی نیز بدست آورده‌اند به گونه‌ای که بسیاری از کشورهای دیگر مانند امریکا تشویق به اجرای شیوه مزبور شده‌اند.<sup>۱</sup>

یکی از پیامدهای دیگر حذف ربا از سیستم مالی عدالت توزیعی است. این امر نتیجه آثار قبلی است. در نظام ربوی سود و زیان فقط متوجه وام گیرنده است و وام دهنده در هر حال صاحب سود خواهد بود. یعنی از نتایج فعالیت های بخش واقعی اقتصاد در صورت سودآور بودن علاوه بر این که متحمل زیان نمی‌شود بلکه باز هم سود پول خود را دریافت می‌نماید. اما در نظام غیر ربوی دو طرف هم در سود فعالیت ها شریکند و هم در زیان.

خلاصه این که در نظام مالی اسلامی دریافت و پرداخت یک نرخ ثابت یا از پیش تعیین شده ممنوع است و به جای آن از اصل مشارکت در سود و زیان استفاده می‌شود (Profit and Loss sharing - PLS)

ممنوعیت اکل مال به باطل: ضابطه دومی که در بازار مالی اسلامی باید مبنای عمل قرارگیرد ممنوعیت اکل مال به باطل است. «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تکنوا تجارة عن تراض منکم»<sup>۲</sup>

مقصود از اکل فقط خوردن نیست بلکه تمامی تصرفات در اموال دیگران را در بر می‌گیرد و خوردن مصداق بارز تصرف است. بر اساس این آیه شریفه هرگونه تصرف در اموال دیگران بدون مجوز عقلایی تحریم شده است. امر دیگری که در آیه شریفه معتبر شمرده شده تراضی یعنی

۱- اصلاح ساختار نظام بانکی در راستای ساماندهی بازارهای مالی رسمی در جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۳

۲- قرآن کریم، نساء، آیه ۲۹

رضایت طرفین است. از این آیه استفاده می‌شود که در تمامی معاملات و از آن جمله معاملاتی که در بازار مالی صورت می‌گیرد دو امر معتبر است:

معامله باید عاقلانه باشد. یعنی هم عرف آن را عاقلانه بداند و هم شرع از آن نهی نفرموده باشد.

باید دو طرف رضایت داشته باشند.

ممنوعیت بیع کالی به کالی: بیع کالی به کالی یعنی معامله‌ای که ثمن و مئمن هر دو مدت‌دار باشند. دلیل باطل بودن بیع کالی به کالی روایت امام صادق است. ایشان نقل کرده‌اند که حضرت رسول صلوات الله علیه فرمودند: «لایباع الدین بالدین»<sup>۱</sup> دین در برابر دین فروخته نمی‌شود. برخی روایت را شامل همه موارد فروش دین در برابر دین دانسته‌اند چه دین قبل از قرارداد وجود داشته باشد و مورد معامله قرارگیرد و چه بواسطه قرارداد دین تحقق پیدا کند اما برخی از فقها هم روایت را فقط شامل قسم اول دانسته‌اند که نتیجه‌اش صحت بیع نسبی به نسبی است.<sup>۲</sup>

### اصل آزادی قراردادها

اصل اولی در تمامی معاملات و قراردادها فساد است. یعنی با قطع نظر از اجازه شارع هیچ اثری بر قراردادها مترتب نمی‌شود. اما شارع با ادله متعددی به قراردادها مشروعیت داده است. از جمله ادله آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»<sup>۱</sup> می‌باشد. بر اساس این آیه همه قراردادهایی که عقلا برای اداره زندگی خود لازم می‌دانند مورد تایید شرع است. البته شارع برای

۱- وسائل الشیعه ج ۳۳ ص ۹۹

۲- این مطلب با تمامی مستندات دیگر توسط نگارنده در تحقیق جداگانه‌ای بصورت مفصل تحقیق شده است تحت عنوان «بررسی فقهی ابزارهای مشتقه» که منتشر خواهد شد.

معاملات ضوابطی قرار داده است مانند حرمت ربا، ممنوعیت غرر و اکل مال به باطل و بیع کالی به کالی که ذکر شدند.

بنابر این در بازارهای مالی که مورد بررسی ماست هر یک از قراردادهای با قراردادهایی که در زمان شارع وجود داشتند مقایسه می‌کنیم اگر مصداق یکی از آن‌ها بود که ضوابط شرعی آن معلوم است و اگر تحت عنوان هیچ یک قرار نگرفت با ادله عامه آن را تصحیح می‌کنیم مشروط به این که واجد ضوابط مربوطه باشند. از آن چه گفته شد نتیجه مهمی گرفته می‌شود و آن این است که نظام مالی اسلام نظامی است پویا، علاوه بر مزایایی که این نظام با استفاده از عقود رایج در زمان شارع نسبت به نظام ربوی رایج دارد از کشفیات جدید در بازارهای مالی هم مشروط به ضوابط یاد شده استفاده می‌کند. در صدر اسلام هم چنین بود. قراردادهای رایج در آن زمان را اسلام به مردم یاد نداد، بلکه خود عقلا برای رفع نیازهای خود انواع و اقسام معاملات را ابداع کرده بودند و اسلام برخی از آن‌ها را باطل اعلام کرد و بقیه را تصحیح نمود. از آن جا که عقل حجت خداوند است در درون انسان‌ها آن چه از راه عقل برای بشر کشف می‌شود امری است دینی مشروط به این که وحی اشتباهات انسان را در مسیر کشف به وی گوشزد نماید و وی را از دام گرفتار شدن به مغالطه و خطا برهاند. استفاده از پیشرفت‌های جدید در تمامی زمینه‌ها و از آن جمله در بازارهای مالی نه تنها با تعالیم اسلام منافات ندارد بلکه توصیه خود اسلام است منتها استفاده‌ی هدایت شده. استفاده از قراردادهای جدید با ضوابط یاد شده، استفاده از فن‌آوری اطلاعات و تجارت الکترونیکی موجب ارتقای وضعیت اقتصادی مسلمانان می‌شود.

### اصل حاکمیت ارزش های معنوی و اخلاقی:

اسلام انجام معاملات به انگیزه کسب سود را امضا کرده است اما از تعالیم اسلامی این طور فهمیده می شود که بازاری که در آن فقط کسب سود هدف باشد مطلوب اسلام نیست. از این رو علاوه بر این که ضوابط حقوقی زیادی را برای معاملات وضع فرموده توصیه های اخلاقی فراوانی را نیز بیان فرموده است به برخی موارد اشاره می شود:

دستگیری و حمایت از نیازمندان بوسیله انفاق و قرض الحسنه جزء اموری هستند که از نظر قرآن کریم و روایات جزء وظایف مسلم همه توانگران شمرده شده است. مثلاً قرآن کریم فرموده است: «و فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم»<sup>۱</sup>.

از این روست که در موسسات مالی اسلامی باید خدمات ویژه ای مانند قرض الحسنه برای محرومین در نظر گرفته شود. روشن است که در بین متدینین همواره افراد زیادی هستند که حاضرند قسمتی از درآمد خود را به این امور مهم اختصاص دهند و با این کار رضایت الهی را کسب نمایند.

- برخی امور در بازار کالاها و خدمات مستحب و مکروه شمرده شده اند. با دقت در محتوای این گونه امور در می یابیم که اختصاصی به معاملات کالاها و خدمات ندارند و در بازارهای مالی نیز صادقند مثلاً شکایت از کمی سود مذمت شده است. و تبانی برای مصنوعی کردن بازار و بالا بردن قیمت مورد مذمت شدید قرار گرفته است<sup>۲</sup> همچنین پیامبر اکرم صلوات الله علیه فرمودند هر کس به خرید و فروش می پردازد باید ۵ خصلت را رعایت کند و گرنه نباید نه بفروشد و نه

۱- قرآن کریم، معارج، آیه ۲۵

۲- وسائل الشیعه ج ۱۲، ص ۱۱ جریان مصادف

بخرد: ربا، سوگند، پوشاندن عیب، ستودن هنگام فروش و مذمت هنگام خرید. روشن است که رعایت این گونه امور فضای بازار را لطیف و دلپذیر می‌کند.

اجتناب از دروغ، به یاد خدا بودن، اجتناب از تدلیس ذکر عیوب ظاهر و مخفی کالایی که قصد فروش آن را داریم (در مورد سهام ذکر محاسن و معایب سهام و زمینه‌های مثبت و منفی وضعیت آینده آن) و موارد بسیار دیگر نیز از توصیه‌های اخلاقی مورد سفارش هستند.

### پیامدهای اصول اخلاقی یاد شده در بازارهای مالی

وجود صداقت و مذموم بودن ایجاد جو مصنوعی به شفافیت بازار و همگانی شدن اطلاعات کمک زیادی می‌کند. در نتیجه هزینه معاملات کاهش می‌یابد و از سوی دیگر قیمت اوراق به قیمت واقعی آن‌ها نزدیک خواهد شد پیامد این امر وجود امنیت در بازار مالی است زیرا شرکت کنندگان به واقعی بودن قیمت‌ها و درست بودن اطلاعات موجود اطمینان دارند. بدلیل حرمت اضرار به دیگران انجام معامله بین دو طرف موجب به خطر افتادن منافع سایر خریداران و فروشندگان نخواهد شد. زیرا معامله هر چند با رضایت دو طرف انجام شود نباید زیانی برای دیگران در برداشته باشد. معاملات صوری که موجب مصنوعی شدن بازار شود در بازارهای مالی اسلامی وجود ندارد.

انضمام امور اخلاقی یاد شده به ضوابط حقوقی که پیش از این ذکر شد روشن می‌کند که بازار مالی اسلامی دارای درجه بالایی از کارایی است و رعایت ضوابط اخلاقی نه تنها با کارایی منافات ندارد بلکه موجب کارآتر شدن بازار می‌شود.<sup>۱</sup>

اصل دیگری که باید در بازار مالی مد نظر قرار گیرد اصل نظارت و در موارد ضروری دخالت دولت است. دولت اسلامی ضامن اجرای قوانین و احکام اسلام در تمامی زمینه‌هاست. در مورد بازارهای اسلامی دولت اسلامی وظیفه دارد که یک نظام جامع مالی براساس آموزه‌های اسلام تدوین نماید و برحسب اجرای آن‌ها نیز بطور دقیق نظارت نماید. وظایف دولت در نظام اقتصادی اسلام به معنای تصدی تمامی فعالیت‌ها توسط دولت نیست، بلکه مردم و بخش خصوصی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی آزادند و بدلیل انگیزه زیادی که در آنان وجود دارد فعالیت‌های آنان منشأ رونق و رشد اقتصادی می‌شود، اما دولت با نظارت خود هم بر فعالیت‌های آنان نظارت می‌کند و هم جلوی تخلفات آنان را می‌گیرد. چه این که بخش خصوصی بدلیل انگیزه‌های بسیار قوی برای کسب سود در مواردی از ضوابط تخلف می‌کند و به انباشت ثروت می‌پردازد. دولت اسلامی در این گونه موارد با اعمال ضوابط جلو تخلفات را می‌گیرد و از تراکم ثروت‌های نامشروع جلوگیری می‌نماید. میزان تصدی دولت اسلامی نیز بسته به شرایط فرق می‌کند.

امور یاد شده در مورد بازارهای مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این بازارها بدلیل جدائی از قسمت حقیقی اقتصاد امکان سوء استفاده بیشتر است. بورس بازان حرفه‌ای می‌توانند با انحصار اطلاعات به سودهای باد آورده زیادی دسترس پیدا کرده و اختلالات جدی ایجاد کنند.

---

۱- نجفی، مهدی، مقاله «اخلاق و کارایی در بازار سهام از دیدگاه اسلام» مجله اقتصاد اسلامی شماره ۱۸



### به سوی طراحی نظام مالی اسلام

بعد از توجه به ضوابط حاکم بر بازارهای مالی اسلامی ترتیب منطقی اقتضاء می‌کند که این گونه عمل نمائیم. در ابتدا عقود معاملات که در کتب فقهی آمده است را با احکام مربوط به آن‌ها مطالعه نمائیم سپس به ساختن ابزارهای مالی مناسب با نیازها و عقود مبادرت کنیم و آن‌گاه سیستم مالی اسلامی را با استفاده از ابزارها طراحی نمائیم.

### مرحله اول: شناسایی عقود

مهمترین عقودی که معمولاً در کتب فقهی مطرح می‌شوند را ذکر می‌کنیم با ذکر این نکته که فقط برخی از احکام مهم یاد آوری می‌شوند. تفصیل آن‌ها در کتب فقهی آمده است. روشن است که عقود جدید که در کتب فقهی سابق نیامده است نیز باید با ضوابط شرعی مربوطه مورد توجه قرار گیرد.<sup>۱</sup>

بیع یا خرید و فروش: قراردادی است که بر اساس آن یک مال در مقابل عوض از فروشنده به خریدار منتقل می‌شود. اقسام مشروع بیع از نظر حال یا موجد بودن ثمن و مضمن عبارتند از:

بیع نقد: ثمن و مضمن هر دو نقد هستند.

بیع نسیه: مضمن نقداً تسلیم می‌شود اما بها مدت دار است. در بیع نسیه باید مدت به صراحت ذکر شود یا قبل از عقد معین شده باشد. در بیع نسیه می‌توان بها را تقسیط نمود (فروش اقساطی).

---

۱- در مورد عقودی که در این جا مطرح شده‌اند رجوع شود به: امام خمینی، تحریر الوسیله، ابواب مربوطه

بیع سلم یا سلف : عکس نسبه است، یعنی ثمن نقد است و مثن بصورت کلی در ذمه فروشنده قرار می‌گیرد که در تاریخ معینی در آینده آن را تحویل خریدار دهد.

بیع دین: یکی از موضوعات مهم که در بازارهای مالی می‌تواند مورد استفاده واقع شود بیع دین است. بیع دین عبارت است از فروش دین مدت‌دار به مبلغی کمتر و به عبارت دیگر بیع دین عبارت است از تنزیل اسناد و اوراق تجاری. رأی قریب به اتفاق فقهای امامیه جواز فروش دین در مقابل غیر دین است تا وقتی ربای معاملی پیش نیاید.<sup>۱</sup> در مورد تنزیل یعنی فروش دین به مبلغ کمتر فتاوی فقها متفاوت است. برخی مانند امام خمینی (ره) و آیه الله خامنه‌ای فروش سفته و برات را به شخص ثالث به کمتر از مبلغ اسمی جایز نمی‌دانند و برخی دیگر چون آیات عظام گلپایگانی، اراکی، تبریزی و مکارم شیرازی در صورتی که سفته حاکی از دین حقیقی باشد (ساختگی و صوری نباشد) فروش آن به کمتر از مبلغ اسمی را جایز می‌دانند.<sup>۲</sup>

اجاره: قراردادی است که به موجب آن منفعت خانه، زمین یا سایر اشیایی که دارای منفعت هستند تملیک می‌شود. اجاره نیروی کار نیز بمعنای تملیک عمل نیروی کار به دیگری در مقابل عوض است. چون اجاره از عقود لازمه است، دو طرف می‌توانند در ضمن قرارداد شرط کنند که بعد از مدت مشخصی موجد شیء مورد اجاره را به ملکیت مستاجر در آورد. (اجاره به شرط تملیک)

۱- مراجع نظرات فقها در این مقاله ذکر شده است:

ثابت، سید عبدالحمید «نگاهی به مباحث فقهی اقتصادی تنزیل» مجله اقتصاد اسلامی، شماره چهارم

۲- موسویان، سید عباس، مشارکت مجدد جایگزین تنزیل مجدد، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی شماره ۳

روشن است که عقود یاد شده (بیع سلف، بیع نسبه، بیع دین و اجاره به شرط تملیک) برای نرخ های ثابت و از قبل تعیین شده سود قابلیت دارند. ویژگی مشترک این عقود این است که در آن ها اموال و منافع در برابر پول یا مال دیگر مبادله می شوند.

مضاربه: عقدی است که به موجب آن یک طرف قرارداد با سرمایه طرف دیگر به تجارت می پردازد و دو طرف در سود و زیان به نسبت توافق شده شریک خواهند بود.

مزارعه: یک طرف قرارداد بر روی زمین طرف دیگر کشاورزی می کند. سهم معینی از منافع از آن او و بقیه به دیگری تعلق خواهد گرفت.

مساقات: یک طرف معامله درختان میوه طرف مقابل را پرورش داده و آب می دهد و به مقدار مشاع از میوه ها را برای خود بر دارد.

شرکت: در قرارداد شرکت دو یا چند نفر مال خود را مخلوط می کنند بگونه ای که عرفاً از یکدیگر تشخیص داده نمی شود و با آن به فعالیت اقتصادی می پردازند و به نسبت توافق شده سود را بین خود تقسیم می نمایند.

عقود مضاربه، مزارعه، مساقات و شرکت عقود مشارکتی هستند و در آن ها سود متغیر است و تابع وضعیت اقتصاد و کیفیت فعالیت مربوطه می باشد. ویژگی دیگر این عقود این است که طرفین در سود و زیان شریکند.

جعاله: یک طرف ملتزم می شود در برابر کاری که طرف دیگر برای او انجام می دهد عوض معلوم بپردازد. عوض معلوم می تواند مبلغی معین باشد و می تواند در مواردی که فعالیت اقتصادی انجام می شود سهمی از سود حاصله باشد.

صلح: دو طرف توافق می‌کنند که یک طرف در برابر مال یا منفعتی که از طرف مقابل دریافت می‌کنند مال یا منفعتی را به وی واگذار نماید یا دو طرف حقوقی که به گردن یکدیگر دارند ساقط نمایند.

دو عقد جعاله و صلح وسیعترین کاربردها را دارند و می‌توان مفاد قراردادهای گذشته را در قالب آن‌ها انشاء کرد با این مزیت که برخی از شروطی که در قراردادهای گذشته معتبر شمرده شده‌اند در این دو عقد معتبر نیستند و لذا می‌توانند کاربردهای وسیعی در بازارهای مالی داشته باشند.

قرض الحسنه، صدقه، وقف: در جامعه اسلامی همواره افراد زیادی وجود دارند که بدنبال کسب ثواب و رضایت الهی و تعالی معنوی هستند. شرع مقدس راه‌های متعددی برای این گونه افراد گشوده است و توصیه‌های بسیار اکیدی برای تشویق مؤمنان جهت عمل به امور خیر خواهانه‌ی مورد نظر شارع به عمل آورده است. عقودمانند قرض الحسنه، صدقه و وقف علاوه بر تعالی معنوی عمل‌کنندگان به آن‌ها آثار زیادی دارد از قبیل:

رفع نیاز نیازمندان و فقرا و در نتیجه توزیع مجدد ثروت و تحقق رشد اقتصادی انجام کارهای عام المنفعه و امور بر زمین مانده وزیر بنایی که نتیجه آن رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد. با مراجعه به تاریخ گذشته جوامع اسلامی در می‌یابیم که بسیاری مدارس، بیمارستان‌ها، پل‌ها و مانند آن از طریق وقف ساخته شده است.

### مرحله دوم: طراحی ابزارهای مالی

بعد از شناخت دقیق عقود شرعی باید با در نظر گرفتن نیازهای بازار سرمایه به طراحی ابزارهای مالی که از عقود یاد شده استنتاج می‌شوند بپردازیم. بررسی تفصیلی ابزارهای مورد نظر از ظرفیت نوشتار حاضر خارج است و مجالی وسیع طلب می‌کند اما لازم است بطور اختصار نمونه‌هایی ذکر شود.

- با استناد از عقد بیع نسبه می‌توان کالاهای مورد نیاز مصرفی و سرمایه‌ای افراد و موسسات را به صورت نقدی خرید و با اطلاع آنان از قیمت خرید به صورت نسبه تقسیم نمود و با سود معین به آن‌ها فروخت. در این صورت هم نیاز مشتریان برطرف می‌شود و هم واسطه‌ی مالی با استفاده از سرمایه‌ی خود از سود مناسب بهره‌مند می‌شود.

- شرکت‌های تولیدی می‌توانند تولیدات آینده‌ی خود را به صورت بیع سلف به واسطه‌های مالی بفروشند. به این وسیله هم شرکت‌های تولیدی نیاز مالی خود را برطرف می‌کنند و برای تولید آینده‌ی خود به صورت دقیق برنامه‌ریزی می‌کنند و هم واسطه‌های مالی با تحویل گرفتن کالا در موعد مقرر و فروش نقدی آن به قیمت بالاتر سود کسب می‌نمایند.

- بنگاه‌ها و شرکت‌ها می‌توانند چک‌ها و سفته‌هایی را که بابت فروش نسبه کالاهای خود دریافت نموده‌اند نزد بانک‌ها تنزیل کنند و به این وسیله با استفاده از منابع مالی بانک خود را تامین مالی نمایند. اگر تنزیل را فروش بدهی بدانیم نه قرض قبلاً گذشت که گروهی از فقها آن را جایز می‌دانند و فقهایمانند حضرت امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای آن را جایز نمی‌دانند. البته این نظرات هم جواز را مشروط به این کرده‌اند که پوششی برای فرار از ربا نباشد و دین حقیقی باشد.

- مضاربه از عقود مشارکتی است که می‌تواند استفاده‌های زیادی برای طراحی ابزارهای مالی قرار گیرد. موسسات مالی می‌توانند عقود مضاربه منتشر کنند و با جمع آوری وجوه مردم به تجارت بپردازند و سود حاصله را بر اساس نسبتی که بر روی اوراق درج می‌کنند بین خود و صاحبان وجوه تقسیم نمایند. ضرر احتمالی نیز به همان نسبت بعهده دو طرف خواهد بود. اوراق مضاربه قابلیت انتشار کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت را دارا می‌باشند. می‌دانیم که افراد از نظر پذیرش ریسک متفاوتند: برخی با پذیرش درجه بالای ریسک بدنبال سود بالا هستند برخی هم حاضر به پذیرش ریسک زیاد نیستند و طالب فعالیت هایی هستند که ریسک پائینی دارند ولی در بردارنده سود مطمئنی هستند. و برخی هم بین این دو دسته قرار می‌گیرند. انتشار دهندگان اوراق مضاربه می‌توانند فعالیت های گوناگونی را در نظر بگیرند که دارای درجات مختلف ریسک می باشند و اوراق مختلفی را برحسب نوع فعالیت منتشر نمایند. در این صورت می‌توانند از سرمایه تمامی گروه ها استفاده کرده و با آن به فعالیت اقتصادی بپردازند. روشن است که در همه موارد باید دولت اسلامی ضوابط دقیقی را بر فعالیت ها وضع نموده و بر اجرای آن ها نظارت نماید تا عواقب ناگواری را شبیه آن چه در مورد شرکت های مضاربه‌ای در ابتدای انقلاب اسلامی اتفاق افتاد پیش نیاید.

- مزارعه و مساقات نیز از عقود مشارکتی هستند. از آنجا که کشور ما در زمینه کشاورزی دارای مزیت های فراوانی می‌باشد استفاده از دو عقد مزبور با روش های صحیح می‌تواند سبب سوق دادن بسیاری از سرمایه‌های سرگردان به این سمت باشد. ایجاد شرکت های زراعی و ارتقاء کیفیت صنایع مربوط به کشاورزی و تضمین و بیمه محصولات می‌تواند در این زمینه بسیار موثر باشد. شرکت های مزبور می‌توانند با انتشار اوراق مزارعه و مساقات و تعیین نوع فعالیت های

اعتماد صاحبان وجوه را جلب نمایند. اوراق مساقات شبیه اوراق مزارعه هستند منتها برای فعالیت های مربوط به محصولات باغی برنامه ریزی و منتشر می شوند.

در تمامی موارد سه گانه مضاربه، مزارعه و مساقات نهاد منتشر کننده اوراق هم می تواند خودش متکفل فعالیت های مربوطه شود و هم می تواند به وکالت از طرف صاحبان وجوه در قالب عقود مختلف فعالیت ها را به دیگران واگذار نماید. به این ترتیب با ترکیب سرمایه صاحبان وجوه و کار عاملان بهترین زمینه برای فعالیت های مفید اقتصادی فراهم می شود.

- جعاله عبارت است از التزام به پرداخت عوض معلوم در مقابل عملی است که از نظر شرع و عقل جایز است.<sup>۱</sup> بسیاری از شروطی که در سایر عقود معتبرند در جعاله معتبر نیستند مثلاً در اجاره باید شیئی مورد اجاره دقیقاً معلوم باشد، منفعت نیز دقیقاً باید معین باشد. مقدار اجرت نیز باید دقیقاً مشخص شود اما در جعاله عمل لازم نیست دقیقاً معلوم باشد. مفاد عقود مضاربه، مزارعه، مساقات و برخی عقود دیگر را می توان با جعاله انشاء کرد از این رو می توان از این عقد برای مشارکت نیروی کار و سرمایه استفاده کرد. از همین رو اوراقی که قبلاً ذکر شدند را می توان با عنوان جعاله منتشر نمود. عقد صلح نیز از این نظر مانند جعاله است و بلکه از این بالاتر می توان گفت صلح از همه ی عقود عمومیت بیشتر دارد و مفاد تمامی عقود را می توان با صلح انشاء کرد با این مزیت که شرایط آن عقود در صلح معتبر نیست.<sup>۲</sup>

- عقد شرکت وسیعترین کاربردها را برای ابزار سازی دارا می باشد. بعنوان مثال موسسه مالی به انتشار اوراق مشارکت مبادرت می کند و در آن برای تامین مالی پروژه ای خاص که دقیقاً

۱- الامام الخميني(قده)، تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۵۸۶

۲- تحرير الوسيله، ج ۱، كتاب الصلح مسئله ۱

کارشناسی شده و میزان هزینه‌ها و درآمدها برآورد شده درخواست وجوه می‌کند. صاحبان وجوه با خرید اوراق در آن سرمایه‌گذاری سهیم می‌شوند و به نسبت سرمایه‌ی خود در عوائد حاصله شریک خواهند شد. اوراق مشارکت با اوراق قرضه از اساس تفاوت دارند، زیرا اوراق قرضه ماهیت بدهی دارند و ربطی به فعالیت اقتصادی ندارند اما اوراق مشارکت ماهیت ملکیت قسمتی از پروژه‌ی مورد نظر را دارا می‌باشند.

- با استفاده از عقود قرض‌الحسنه، وقف و صدقه می‌توان ابزارهای زیادی برای امور خیریه ابداع نمود. به عنوان مثال سه نمونه برای صدقه ذکر می‌شود:

الف: اوراق صدقه سه‌گونه متصور است:

اوراق عام: دریافت‌کننده این اوراق به موسسه‌ی خیریه وکالت عام می‌دهد که وجه صدقه را برای فقرا صرف نماید.

اوراق خاص: مثلاً برای مداوای بیماران، معلولان یا جهت خاص دیگر اوراق منتشر می‌شود.

اوراق سرمایه‌گذاری برای فقیران: دریافت‌کنندگان این اوراق به موسسه وکالت می‌دهند که وجوه دریافتی از آن‌ها را در فعالیت‌های اقتصادی سودآور سرمایه‌گذاری و سود آن را صرف فقیران نماید.

در مورد اوراق قرض‌الحسنه و وقف نیز ابزارهای متعددی قابل پیشنهاد است.<sup>۱</sup> که برای حفظ اختصار از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

در انتهای این قسمت یک نکته ذکر می‌شود:

---

۱- میر معزی، سید حسین، سیستم تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد بدون سود، مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه‌ی اقتصاد اسلامی، پژوهشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، زمستان ۱۳۸۲ ص ۳۴۳



عقود متنوعی که در فقه اسلام مشروع شمرده شده می‌تواند پاسخگوی تمامی سلیقه‌های صاحبان وجوه باشد. اگر ابزارها درست طراحی شوند می‌توانند تمامی پس‌اندازهای سرگردان را جمع‌آوری نموده و در جهت رشد و توسعه و عدالت اقتصادی به کار گیرند.<sup>۱</sup> اسلام در تشریح عقود نیازهای واقعی مردم را در نظر گرفته‌است. مردم هم به مبادله نیاز دارند و هم به سرمایه‌گذاری و هم به کسب ثواب و رسیدن به قرب الهی. قبلاً نیز گفته شد که برای همه‌ی این موارد ابزار مناسب تشریح شده است. بنابر این نمی‌توان نظام مالی اسلام را بطور کلی نظامی مشارکتی و یا نظامی مبادله‌ای دانست. البته با توجه به حکمت‌های تحریم ربا و تشویق به سرمایه‌گذاری و با در نظر گرفتن هدف اصلی نظام اقتصادی و بلکه نظام اجتماعی اسلام که عدالت است می‌توان روح نظام مالی اسلام در امور مربوط به سرمایه‌گذاری و تولید و رشد اقتصادی را نظام مشارکت معرفی نمود. اسلام خواسته است با ترکیب مناسب سرمایه‌ها و ترکیب سرمایه و نیروی کار هم اقتصاد پیشرفت کند و هم عدالت توزیعی اجرا شود. با عقود مانند صدقه و قرض‌الحسنه و وقف هم اهداف یاد شده محقق می‌شود و هم نیازهای نیازمندان رفع می‌شود و کارهای زمین مانده عام‌المنفعه نیز به بهترین نحو انجام خواهد شد.

### مرحله سوم: طراحی نظام مالی اسلامی

بعد از طراحی ابزارهای مالی براساس عقود شرعی نوبت به این امر بسیار مهم می‌رسد که چه موسساتی برای بکارگیری این ابزارها در نظر گرفته شوند. این موسسات نظام مالی را تشکیل

---

۲- در مرود انگیزه‌های صاحبان وجوه و گروه‌های مختلف آنان رجوع شود به: موسویان، سید عباس، پیش‌نهادی جهت اصلاح ساختار بازار پول و سرمایه ایران، مجموعه مقالات همایش لایحه برنامه ۴ توسعه، بسیج اساتید، تهران ۱۳۸۳

خواهند داد. ترکیب های مختلفی از موسسات متصور است که به همه آن ها می توانیم نظام مالی اسلامی اطلاق کنیم، زیرا دیدیم که اسلام شکل خاصی را معین نفرموده و با تعیین ضوابط معاملات ما را در انتخاب نوع موسسات آزاد گذاشته است. از آن جا که شرایط اقتصادی و روحیات صاحبان وجوه در کشورها و جوامع مختلف دارای تفاوت هایی می باشد هنگام طراحی نظام مالی باید این گونه امور را در نظر گرفت. پیش از این وضعیت فعلی بانک های کشور و نحوه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا را ملاحظه کردیم. عقودی که در این قانون آمده همان هایی است که بیان کردیم اما اشاره شد که کامیابی زیادی کسب نکرده ایم و سیستم بانکی ما دچار مشکلات جدی است. تجربه نشان داده که اصلاحات جزئی راه گشا نیست و باید طرحی نو در انداخت. در این راستا پیشنهاد می شود که سه نوع موسسه مالی در کشور در نظر گرفته شود. با تعیین دقیق نوع فعالیت های هر یک از آن ها و با نظارت دقیق نهادهای مسئول می توان تحولی اساسی در این زمینه ایجاد نمود.

- سیستم بانکی: گذشت که سیستم بانکی به برقراری نرخ ثابت سود برای تسهیلات و دادن نرخ ثابت سود به سپرده گذاران تمایل دارد و با عقود مشارکتی سازگاری ندارد. از همین رو از اوائل اجرای قانون بانکداری بدون ربا تاکنون همه ساله نرخ تسهیلات و نرخ انواع سپرده ها توسط شورای پول و اعتبار تعیین و ابلاغ شده است. بهترین کار این است که با تغییر قانون عملیات بانکی بدون ربا فقط عقودی که دارای بازدهی ثابت دارند را به بانک ها واگذار کنیم. در این صورت سپرده گذاران به بانک وکالت می دهند که وجوه آنان را در قالب عقودی مانند فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، تنزیل، صلح و جعاله بکار گیرند و درصد معینی را بعنوان حق وکالت برای خود برداشته و مابقی را به سپرده گذاران بپردازند. در این صورت می توان با

طبقه‌بندی سپرده‌گذاران به کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت درصدهای متفاوت سود برای آنان در نظر گرفت. هنگامی که سود سپرده‌ها دقیقاً معین باشد افراد ریسک‌گریز که بیشترین درصد صاحبان وجوه کوچک را تشکیل می‌دهد موجب تشویق سپرده‌گذاران خواهند شد. البته امروز در کشور خودمان افراد زیادی را مشاهده می‌کنیم که دارای سرمایه پولی اندکی می‌باشند و بدنبال کسب سود از راه آن هستند اما در بانک‌ها سپرده‌گذاری نمی‌کنند. علت این امر را شاید بتوان نرخ بالای تورم و کمتر بودن نرخ سود نسبت به نرخ تورم دانست.

منحصر کردن فعالیت‌های بانکی در قراردادهای مبادله‌ای یک حسن بزرگ دیگر نیز دارد، بعلاوه سهولت کار با این عقود (نسبت به عقود مشارکتی) بانک‌ها می‌توانند ضوابط مربوط به آن را بدرستی رعایت نمایند.

- موسسات خیریه شامل: موسسات قرض‌الحسنه، موسسات مربوط به اوقاف و موسسات متصدی صدقات.

از آن جا که بانک موسسه‌ای انتفاعی است سپردن امور مربوط به قرض‌الحسنه به بانک‌ها کار درستی نیست. از سوی دیگر کسانی که در بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند حتی تحت عنوان سپرده‌های قرض‌الحسنه انگیزه‌ی مشارکت در امر بسیار مستحب قرض‌الحسنه را ندارند بلکه غالباً یا هدف‌شان بهره‌مند شدن از جوایز قرعه‌کشی‌هاست و یا این که جهت حفظ وجوه خود به این کار اقدام می‌کنند. چه این که به نظر مردم بانک‌ها به راحتی به کسی وام قرض‌الحسنه نمی‌دهند بنابراین این کسانی هم که قصد شرکت در امر نیکوی قرض‌الحسنه دارند به صندوق‌های قرض‌الحسنه مطمئن مراجعه می‌کنند. راه درست این است که امور مربوط به قرض‌الحسنه را به موسسات جداگانه‌ای که فقط برای این امر تاسیس شده یا می‌شوند واگذار کنیم. تجربه‌ی

صندوق های قرض الحسنه قبل و مدتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که با همان سرمایه های اندک خود خدمات بسیاری به مردم نیازمند انجام دادند تجربه بسیار خوبی است. متأسفانه بسیاری از این صندوق ها از مسیر اصلی خود منحرف شدند و به امور سود جویانه پرداختند که باعث بد نامی همه صندوق ها شده است. اما می توان با ضابطه مند کردن فعالیت ها و نظارت بانک مرکزی بر صندوق ها حیثیت صندوق ها را اعاده نمود. یکی از ضوابطی که باید بر آن تاکید شود ممنوعیت هرگونه فعالیت ائتفافی برای این صندوق هاست. ضابطه مهم دیگر عبارت است از تامین مخارج ضروری صندوق ها از قبیل حقوق کارکنان و مخارج مربوط به ساختمان صندوق ها از راه کارمزد پائینی که با محاسبه دقیق تعیین می شود و این امر از نظر شرعی اشکالی ندارد زیرا مصداق ربا نمی باشد.

برای امور خیریه ای همانند وقف و صدقات نهادهایی در ایران اسلامی وجود دارد. باید از همین نهادها استفاده نمود و فعالیت های آن ها را منضبطتر و گسترده تر نمود. مثلاً در مورد وقف پیشنهاد می شود سازمان اوقاف و امور خیریه اوراقی برای مشارکت مردم در امر بسیار مهم وقف منتشر نماید تا مردمی که سرمایه های بزرگی برای وقف ندارند بتوانند با خرید این اوراق در این امر شرکت نمایند. پروژه های عام المنفعه ی معینی را می توان بر اساس این روش به انجام رساند.

۳- فعالیت هایی که بر اساس عقود مشارکتی و سرمایه گذاری مستقیم انجام می شود را می توان به نهادها و موسسات غیر بانکی واگذار نمود. بدلیل تنوع انگیزه ها و روحیات صاحبان وجوه و گوناگونی فعالیت های اقتصادی این موسسات از تنوع زیادی برخوردارند. در طراحی این موسسات باید از تجربیات سایر کشورها استفاده نمود چه این که بدلیل کارایی نظام مشارکت در مقایسه با نظام بهره نظام سرمایه داری روز به روز هم موسسات مشارکتی گسترش پیدا می کند و

هم بانک ها علاوه بر وام دهی به فعالیت های مشارکتی می پردازند. در کشورهای اسلامی هم موسسات مالی زیادی بر اساس ضوابط شرعی تاسیس شده اند که باید از تجربیات آن ها استفاده نمائیم. برخی از نهادهای مشارکتی عبارتند از:

شرکت های سهامی: این شرکت ها بر اساس عقد شرکت تاسیس می شوند و در زمینه های زیادی تاسیس می شوند مانند:

بازار بورس اوراق بهادار: در تالارهای بازار بورس شرکت های بسیار زیادی پذیرفته می شوند. این شرکت ها اوراق سهام زیادی عرضه می کنند و وجوه دریافتی را برای سرمایه گذاری در تمامی زمینه ها صرف می نمایند. بازار اوراق بهادار در ایران هنوز بسیار ابتدایی است و نقش کمی در اقتصاد دارد. باید این بازار را گسترش داد و مردم را به مشارکت در آن تشویق نمود.

شرکت های سرمایه گذاری: این شرکت ها باید تخصصی باشند تا تجربه ناکامی های بانک ها تکرار نشود. شرکت های مزبور در زمینه های کشاورزی، بازرگانی، صنعتی و خدماتی فعالیت می کنند. و با فروش واحدهای سرمایه منابع لازم برای سرمایه گذاری در زمینه های مزبور را فراهم نموده و به این امر اقدام می نمایند و بعد از اجرای طرح ها آن ها را از طریق عقود مختلف در اختیار متقاضیان قرار می دهند و سود حاصله را بین خود و صاحبان وجوه تقسیم می نمایند. این شرکت ها هم می توانند خود متصدی طرح های مورد نظر خود بشوند و هم می توانند انجام این طرح ها را به پیمانکاران واگذار نمایند و برکار آنان نظارت کنند.

شرکت های مضاربه ای: این شرکت ها با جمع آوری وجوه مردم به تجارت می پردازند و سود حاصله را بین خود و صاحبان وجوه به نسبت توافق قبلی تقسیم می کنند.

با گسترش شرکت های بیمه می توان از سرمایه های آن ها برای انجام فعالیت های مفید

استفاده نمود.

## منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- باز محمدی، حسین، اصلاح ساختار نظام بانکی در راستای ساماندهی بازارهای مالی بازارهای مالی رسمی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، بهار ۱۳۸۲
- ۳- الحرالعاملی، وسائل الشیعه، تهران، کتاب فروشی اسلامیه
- ۴- امام خمینی(قده)، روح الله، تحریر الوسیله، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۳۸۰
- ۵- رجایی، مهدی، طراحی و گزینش ابزارهای مالی در نظام مالی بدون ربا، رساله کارشناسی ارشد موسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی (قده)
- ۶- رحیمی فر، مهری، بررسی، عملکرد اقتصادی انتشار اوراق مشارکت در ایران، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی، تابستان ۱۳۸۲
- ۷- فرانک فیوزی، فرانکو مودیلیانی و مایکل فری، مبانی بازارها و نهادهای مالی، ترجمه ی حسین عبده تبریزی، تهران، نشر آگه، ۱۳۷۶
- ۸- مجتهد، احمد، حسن زاده، علی، پول و بانکداری و نهادهای مالی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۴
- ۹- مجموعه مقالات دومین همایش دو سالانه ی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشکده ی اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲
- ۱۰- موسویان، سید عباس، ارزیابی قراردادهای و شیوه های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا، مجله ی تخصصی اقتصاد اسلامی، قم، شماره نوزدهم، پائیز ۱۳۸۴

۱۱- موسویان، سید عباس، حوزه‌های فقه‌ای و عرصه‌های کارشناسی بانکداری اسلامی،

مجله ی تخصصی اقتصاد اسلامی، قم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۲

۱۲- میرمعزی، سید حسین، جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام، مجله ی تخصصی اقتصاد

اسلامی، قم، شماره ی دوم، تابستان ۱۳۸۰

۱۳- نقش نهادهای مالی در توسعه ی اقتصادی: عملکرد و چشم انداز-تجربه ی ایران

(مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی)، تهران، پژوهشکده ی پولی و

بانکی، ۱۳۸۲